



واکنش هنرمندان به حمله تروریستی کرمان

حمله تروریستی روز چهارشنبه، ۱۳ دی ماه در کرمان، واکنش‌هایی گسترده از جمله واکنش هنرمندان را برانگیخت و آن‌ها نیز همچون بسیاری دیگر، این حادثه را محکوم کردند. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، در این حادثه تروریستی در مسیر گلزار شهدای کرمان، ۸۴ نفر از هموطنان مان به شهادت رسیدند و تعداد زیادی هم مجروح شدند. در این بین، هنرمندان موسیقی واکنش‌های گسترده‌ای داشتند و به شدت این حمله تروریستی را محکوم کردند. از جمله این هنرمندان؛ محمد معتمدی، علی قمصری، شروین حاجی‌پور، علیرضا قربانی، حسین علیشاپور، سحر محمدی، وحید تاج و اشکان کمانگری بودند. همچنین معین-خواننده ایرانی ساکن لس آنجلس- نیز در یک استوری اینستاگرامی نوشت: «کشتن مردم بیگناه تحت هیچ شرایطی و با هیچ مرام و انگیزه سیاسی یا مذهبی‌ای، قابل توجیه نیست.»



تکس: AFP

دعوت برای تولید اثر درباره فلسطین

پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما با حضور در برنامه «ساعت به وقت قدس»، درباره ارزیابی خود از نقش رسانه‌های نوپدید در مقابله با روایتگری انحصاری رسانه‌های صهیونیستی در قضیه فلسطین به‌ویژه طوفان الاقصی، صحبت کرد. تسنیم ضمن اعلام این خبر نوشت، جبلی خاطر نشان کرد: «با ابزار فیلم و سریال سازی می‌توانیم این منطق را به مردم منتقل کنیم که زوال اسرائیل نزدیک است. از همین جا از همه تهیه‌کنندگان، برنامه‌سازان و همکاران مان در داخل سازمان، همچنین مجموعه گسترده تهیه‌کنندگان تلویزیون و سینما درخواست و اعلام می‌کنم، صداوسیما پذیرای طرح‌های آن‌ها در زمینه تولید فیلم و سریال است. باید به‌سرعت عقب‌ماندگی خود را جبران کنیم. نباید روزی فرابرسد که شاهد آزادی فلسطین باشیم و ما به‌عنوان رسانه، کاری در شأن آن‌روز انجام نداده باشیم.»



بازنشستگی خالق «فوتبالیست‌ها»

یونچی تاکاهاشی به‌دلیل بیماری، فعالیت در عرصه مانگا را کنار می‌گذارد. ویجیاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، یونچی تاکاهاشی پس از ۴۳ سال فعالیت و خلق آثار ماندگار، بازنشسته می‌شود. خالق کاپیتان سوباسا - که در ایران به «فوتبالیست‌ها» شهرت دارد- از سال‌ها پیش، کار روی داستان پرترفدار فوتبالی خود را آغاز کرده بود و اکنون قصد دارد تا هر دوسری کمیک محبوبش را به پایان برساند. به‌گفته تاکاهاشی، بازنشستگی او هم‌معنی با پایان یافتن سری کمیک‌های Captain and Tsubasa: Rising Sun است. Captain and Tsubasa: Memories در آوریل ۲۰۲۴ است. باین وجود دیگر داستان‌های فوتبالیست‌ها، توسط دیگر سازندگان، همچنان ادامه خواهد یافت. تاکاهاشی همچنین فاش کرد، بر فیلمنامه اقتباس‌های آینده از این شخصیت، نظارت خواهد داشت و آن‌ها را بررسی می‌کند.

هنوز امید نمرده است

گفتارهایی درباره بحران همبستگی اجتماعی در ایران



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، روز چهارشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲، دومین جلسه از سلسله نشست‌های بحران اندیشی و گفت‌وگوهای ملی در ایران امروز را با محوریت موضوع «اخلاق، امید و همبستگی اجتماعی در ایران» برگزار کرد. در این نشست که دو گروه «روندهای فکری» و «سیاست و تمدن ایرانی» به‌طور مشترک به برگزاری آن همت گماردند، محمدباقر تاج‌الدین، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز، رسولی‌پور، دانشیار فلسفه در دانشگاه خوارزمی، احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و دانش‌آموخته علوم سیاسی، جواد حیدری، استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد و امیرحسین خدایپرست، عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به ایراد سخنرانی پرداختند. در ادامه خلاصه‌ای از سخنرانی‌ها تقدیم خوانندگان خواهد شد با این توضیح که سخنرانی جواد حیدری به دلیل حجم بیشتر آن، در شماره‌ای دیگر از روزنامه منتشر خواهد شد.

در این‌جا به‌لحاظ عملکرد دولت که به‌لحاظ نظام اجتماعی و امر اجتماعی و فرهنگی است.

سنت‌ها هستند اما جامعه ایران دیگر سنتی نیست

۴ الگو در جامعه ایران

همان‌طور که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان می‌گویند، در جامعه سنتی طبیعتاً دین به‌قول پیتر برگر، سایبان مقدس درست می‌کند. سایبانی که همه را زیر آن گرد می‌آورد و هیچ نوع تشتی در چنین جامعه‌ای وجود ندارد. در این‌جا بحث تشابه و اصطلاحاً همبستگی مکانیکی، شنیده شدن یک صدا، گفته شدن یک سخن و پایبندی به یک نوع مرام، سنت و آیین مطرح می‌شود که همه آن را می‌پذیرند، به آن توجه دارند و هیچ نوع نقد، پرسش و تشتی وجود ندارد؛ چیزی که در جامعه‌ای که مدرن و خودبه‌خود وارد دوران گذار می‌شود، دیده نمی‌شود. ما در مورد جامعه ایران، تقریباً با چهار سنخ قابل توجه روبه‌رو هستیم که هر چند همان‌طور که در یکی از مقاله‌هایم اشاره کرده‌ام نمی‌توان درصد دقیقی برای آن‌ها تعیین کرد اما می‌توان از یکدیگر تفکیک‌شان کرد. یکی از این سنخ‌ها، سنخ سنتی است.

جامعه ایران، ده‌هاست که جامعه‌ای در حال گذار است و می‌خواهد از جامعه سنتی، به جامعه‌ای مدرن و صنعتی تبدیل شود. این گذار که می‌توان آغازش را از حدود ۱۰۰ سال پیش، از زمان مشروطه تصور کرد همچنان در جریان است. تا آن‌جا می‌رسد که من مسائل اجتماعی را در قالب پژوهش‌ها، پیمایش‌ها و پایان‌نامه‌ها رصد کرده‌ام تصور بعضی از دوستان که در فضای مجازی هم مشاهده می‌شود، این است که جامعه سنتی، جامعه‌ای کاملاً اخلاقی و درجه یک بوده است، هیچ مسئله‌ای نداشته و امروز جهنمی درست شده است که آتش آن از هر سولهیب می‌کشد. من با این طرز تفکر موافق نیستم و تصور می‌کنم جامعه سنتی هم جامعه درجه یکی نبوده و آن‌جا هم مشکلات و گرفتاری‌های بسیار وجود داشته است. بحث من



محمدباقر تاج‌الدین
جامعه‌شناس

من باتوجه به رشته‌ام، جامعه‌شناسی، از همین منظر جامعه‌شناختی به موضوع می‌پردازم. اولین نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که به‌هر حال هنگامی که از همبستگی اجتماعی، اخلاقی اجتماعی و امید اجتماعی صحبت می‌کنیم، به‌واسطه ذکر کلمه «اجتماعی» با امری اجتماعی روبه‌رو هستیم و نکته دوم آن‌که

ایمان؛ امید به تحقق امر ناممکن



رسول رسولی‌پور
پژوهشگر فلسفه

بیش از آنکه نگاه به گذشته داشته باشد، نگاه به آینده دارد و انسان مؤمن، ایمان به آخرت و آینده‌ای روشن تر دارد. مولتمان بحثی دار تحت‌عنوان «آینده بالفعل شده» که یکی از مهمترین دستاوردهای الهیاتی او نیز هست. در این بحث مولتمان می‌گوید امید از آنجایی که با آینده پیوند می‌خورد به نحوی به جریان منجی‌گرایی و فرجام‌خواهی مربوط می‌شود. مولتمان برای آنکه مومنان در قبال وضع حال منفعَل نباشند این تعبیر را به کار می‌برد و می‌گوید اگر کسی دنبال مسیح و فرجام است، فرجام‌خواهی را باید در امروز تمرین کند. این متضمن مسئولیت فردی و اجتماعی فرد مؤمن است. در این زمینه فرجام‌شناسی دو نگره عمده وجود دارد. در یک دیدگاه، مومنان دنبال منجی هستند که آینده را رقم بزنند. دیدگاه رقیب اما مسئولیت را به انسان‌های مؤمن می‌دهد که خود زمینه‌ساز فرجام‌روشن را فراهم کنند. در انقلاب اسلامی ایران هر دو جریان به نحوی محسوس قابل مشاهده است. ایده‌های انجمن حجتیه در اوایل انقلاب و دولت احمدی‌نژاد در ادامه، مفهوم انتظار را در زمینه تحقق کار به‌دست منجی معنای می‌کند. در برابر اما نظریه امام خمینی این بود که باید برای ظهور زمینه‌سازی کرد و به‌قول هانری دروش، به عمل برداریم و نقش خود را در تحقق آینده‌ای که به دنبال هستیم، نادیده نگیریم. این‌انگاره متوجه است به مسئولیت مومنان در تحولات فردی، اجتماعی و سیاسی. برای نمونه وقتی سیدحسین نصر در کتاب «قلب اسلام» می‌خواهد مشخصات فرد مسلمان را بیان کند، فصل مشیعی درباره مسئولیت‌پذیری می‌نویسد، این بدان معناست که کسی نمی‌تواند خود را مؤمن و امیدوار به آینده بداند ولی مسئولیتی در قبال مسائل فردی و اجتماعی خود قبول نکند و مسئولیت‌ها را به یک منجی الهی واگذارد کند. جدا از ویژگی‌هایی که در روایات اسلامی برای فرد مؤمن ذکر می‌شود. نظیر به‌دست داشتن انگشتری یا داشتن محاسن - در تعریف نصر ویژگی عمده فرد مؤمن، مسئولیت‌پذیری در قبال تحولات

فردی و اجتماعی است. بنابراین از نظر نصر و همفکرانش ویژگی اصلی ایمان، مسئولیت‌پذیری است. این شیفت و تحولی از «دینداری» به «دین‌ورزی» نیز هست، یعنی ایمان متوجه عمل می‌شود و امیدواری بدون عمل معنایی ندارد.

این همان تفاوت میان آرزو و خوش‌بینی نیز هست.

تری ایگلتن نیز در کتاب «امید بدون خوش‌بینی» از دو نوع نگرش درباره امید سخن می‌گوید: امید بدون خوش‌بینی و امید توأم با خوش‌بینی. او کیرکگارد را «امیدوار نامید» می‌نامد و در مقابل او، کسانی چون ارنست بلوخ را که اهل مخاطره هستند و «امید امیدوارانه» دارند، قرار می‌دهد. نظر ایگلتن این است که باید حتماً بدبین و ناامید بود. او عذر ضایت از وضع موجود و حال را قوه محرکه انسان برای عمل می‌داند و می‌گوید، امید باید بدون خوش‌بینی باشد و بدبینی، موتور محرکه امیدواری است. من خود اما با دیدگاه بلوخ هم‌رای هستم که نمی‌شود فرد امیدوار ناامید باشد؛ زیرا بدبینی می‌تواند به افراط کشیده شود و انسان را از عمل باز دارد. البته این معضل در خوش‌بینی و ساده‌لوحی مترتب بر آن نیز می‌تواند یافت شود. شاید این درک خوش‌بینانه را بتوان در لسان دولت فعلی مشاهده کرد. هانری دروش تمثیلی دارد به‌نام «تمثیل طناب». در این تمثیل الهیاتی این بحث مطرح می‌شود که طبیعت ایمان دینداران تحقق‌یگسری امور ناممکن نیز هست.

عنصر اساسی ایمانی نیز که الاهدانان پست‌مدرن چون جان کاپوتو و ژان ماریون و استادشان ژاک دریدی ا خدا‌ناباور داشتند این بود که چندان دنبال امور محتمل نباشیم. امید دینی در پیوند با ایمان و آن هم ایمان اگزیستانسیالی و پست‌مدرن چندان شناختی (Cognitive) دنبال نمی‌شود و بیشتر صبغه روانشناختی دارد. در این تفسیر هیچ ایرادی ندارد که انسان‌های مؤمن به‌رغم وجود قرائن موجه به عدم احتمال وقوع یک رخداد باز به آن امیدوار بمانند. در تحلیل نهایی شاید این موضع که در ذات ایمان باور به یک امر ناممکن موجود است، نسبت به موضعی که فلسفه تحلیلی درباره امید اتخاذ می‌کند، امیدوارانه باشد زیرا فیلسوف تحلیلی حتماً باید شواهد و قرائن کافی برای امیدواری داشته باشد. در درک پست‌مدرن اما خدا هم در محاسبات در نظر گرفته می‌شود؛ خدایی که عمل اش به‌هیچ‌وجه تابع تحلیل‌های عقلانی ما نیست و آزادانه خود می‌تواند رخدادی را رقم بزند.